

از لابلای یادداشت‌ها و نیشته‌های روزمره ام

## نگاهی به برخی از جنبه‌های پیدایش و پنهان‌سازی استراتژی ائتلاف بین‌المللی در کشور اصل واقعیت در طیف وسیعی از اقدامات انجام شده الویت تلاش‌های نظامی در چه نهفته می‌باشد؟

تنوع ترکیب نظامی و ناهمگونی‌هایی در مورد  
سبب‌ساز تغییرات منفی و برگشت‌ناپذیر  
افغانستان بمثابه قلمرو مبارزه با فاتحان  
جعل حقایق و طفره رفتن از مسوولیت

در این مبحث، قبل از طرح سایر مسایل مربوطه و نخست از همه بایست متذکر گردید که حل و فصل قضایای موجود و تأمین ثبات در کشور ما هنوز هم از جمله معضلات و مشکلات حاد سیاست سیستم بین‌المللی کنونی را تشکیل می‌دهد. در شرایط و اوضاع جاری، این واقعیت بیش از همه جلب توجه می‌نماید که بمنظور تأمین صلح و اعاده نظم در کشور، استفاده از سلاح و بکارگیری شیوه‌های جنگی و محاربه‌ی، بیش از این اصلن کاربرد نداشته و بمنظور حل و فصل آبرومندانه قضایای کشور ما، بمنظور استفاده و بکارگیری از راه‌ها و شیوه‌های مسالمت‌آمیز و آشتی‌جویانه باید گام‌های بلند و استواری برداشت. در طول مدت زمان بیشتر از هفده سال، مأموریت نیروهای ائتلاف نتایج دلخواه ببار نیآورده، روزتاروز به بدبختی‌ها، رنج‌ها و مصیبت‌های مردمان و باشندگان سرزمین ما افزون بعمل آمده و در نهایت هم، در مسیر حل و فصل صلح‌آمیز قضایای موجود در کشور، موانع متعددی ایجاد گردیده و این امر همچنان ادامه دارد.

با وجود تلاش‌های پیهم و فراوان جامعه بین‌المللی و نیروهای ائتلاف، وضعیت در کشور بدتر می‌گردد؛ فعالیت‌ها و عملکردهای تروریستی مخالفان مسلح بیش از پیش تشدید گردیده و در آن افزایش چشمگیری بعمل آمده است. در چنین وضعیتی، افزایش تقابل و رویارویی و تشدید روزافزون آن بیش از هر زمان دیگر بمشاهده می‌رسد. علاوه بر آن، در وضعیت نظامی - سیاسی کنونی پاکستان اصل بی‌ثباتی بگونه‌ی نهایت منفی بمشاهده رسیده، در کابل نیز حاکمیت فلج گردیده و چنانچه حاکمیت بر هبری کرزی در بی‌کفایتی و فساد آلوده گردید، عین همان حالت در وضعیت کنونی حکومت وحدت ملی نیز تداوم حاصل نمود.

با وجود حضور بالفعل و بالقوه نیروهای ائتلاف در اراضی افغانستان، بیش از هر زمان دیگر، با وضعیت بی‌ثباتی در کشور مواجه می‌باشیم. انجام فعالیت‌های خرابکارانه نیروهای دهشت افکن در شمال کشور (بویژه در بلخ و کندز) و در سایر مناطق و بخشهایی که قبلاً مناطق "امن" کشور محسوب می‌گردیدند، همچنان ادامه دارد. در این مورد، تاکتیک‌های "طالب"ها بگونه کلی، متفاوت گردیده است. در ایام پسین، همسویی آنها بیشتر در کاربرد "بمب‌های زنده" یعنی در انجام عملیات انتحاری تروریست‌ها تبارز می‌نماید.

دها کنفرانس و دید و بازدیدهای بین‌المللی بمنظور حل و فصل صلح‌آمیز قضایای کشور ما صورت گرفت، اما هیچکدا

م اصلن به نتایج قطعی و فیصله کن نایل نگردیده و تصمیم و فیصله در مورد همچنان به بعد موکول گردید، می توان در اینباره اظهار داشت که چنین فعالیت های خسته کن همچنان تداوم حاصل خواهد نمود.

متأسفانه در ایام پسین، شاهد ازدیاد و افزایش تلفات ملکی در کشوری باشیم. مطابق گزارش های سازمان ملل، طی سال روان نیز به تعداد زخمی ها و کشته شده های افراد بیدفاع ملکی، افزایش قابل ملاحظه ای بنظر می رسد. علاوه بر آن، بدلیل تلفات در صفوف نیروهای ائتلاف بین المللی، نارضایتی های مردمان کشورهای شان را نیز سبب گردیده است.

در مقطع کنونی، بصورت مؤجزی به بررسی ویژگی های ستراتیژی و خصوصیات تاکتیک های نیروهای ائتلاف بین المللی در کشور می پردازیم.

با در نظر داشت وضعیت و شرایط کنونی، در حلقات و مجامع علمی - تحقیقاتی و گردهمایی های کارشناسان امور، طرفداران و مخالفان ستراتیژی و تاکتیک کنونی ائتلاف بین المللی در مورد آینده و دورنمای عملیات های نظامی ناتو در کشور عزیز ما افغانستان، بحث های فراوانی براه انداخته شد. عمده ترین موضوع بحث های یادشده را پرسش امکان و یا عدم امکان حل و فصل نظامی قضایای موجود، خروج نیروهای ائتلاف و انتقال مسوولیت پاسخگویی های امنیتی در کشور به افغان ها تشکیل می داد.

متذکر باید گردید که سیاستمداران و نظامی ها در گل، درباره نظارت کامل بر اردوی کشور، تجهیز و تعلیم و تربیه منسوبان قوای مسلح بر اساس ستاندردهای کنونی و از نحوه تأثیرگذاری آن در درازمدت بر وضعیت آسیای مرکزی بگونه کامل دید روشن و بامفهومی از وضعیت ندارند. تدابیر اتخاذ شده گواه این امر می باشد که هیچگونه تضمینی در مورد نفوذ و تأثیرگذاری مخالفان مسلح بر بعضی از قوماندان ها و فرماندهان اردو در مجموع، اصلن موجود نمی باشد. افسران ناتو چنین می پندارند که بدون موجودیت اردوی کثیرالعدد و مجهز با سلاح و تخنیک محاربوی عصری، قادر به نظارت سراسر کشور نخواهند بود، چه در چشم انداز کلی دورنمای کشور، اراضی و نحوه ساختار طبیعی آن برای آنها مملو از موانع و مشکلات فراوان طبیعی بوده و طبعن زیرساخت های موجود نیز در مراحل ابتدایی قرار دارد. علاوه بر آن، کشورهای همجوار افغانستان (هند، پاکستان و ایران) از اردوهای مجهزی برخوردار می باشند.

با بررسی ستراتیژی و تاکتیک نیروهای ائتلاف بین المللی در کشور ما، می توان اظهار داشت که با وجود امکانات حاضر، تیاتر و عرصه های نظامی و پیشبرد جنگ، اصلن بگونه کاملی مورد توجه و نظارت لازمی قرار داده نشده و از رخنه عناصر نفوذی در اردوی کشور بگونه شایسته ای جلوگیری بعمل نمی آید. چه، چندی قبل از طریق وسایل اطلاعات جمعی، خبری مبنی بر محکومیت دوتن از افسران قول اردوی سیلاب در ننگرهار بجرم همکاری با دستگاههای استخباراتی پاکستان به نشر رسیده که پس از محاکمه، هر کدام به بیست سال زندان محکوم گردیدند.

بنابراین، از بکارگیری شیوه های سنتی مبارزه علیه مخالفان مسلح، خودداری بعمل می آید، راهای اکمالاتی و وسیل انتقال سلاح و مهمات به جنگجویان مخالف مورد نظارت جدی قرار داده نمی شود، چه همه می دانند که بدون ارائه کمک های تسلیحاتی و بدون موجودیت تجهیزات جنگی، آنها قادر به پیشبرد و انجام مبارزه مسلحانه در کشوری نمی باشند. همین اکنون، مخالفان مسلح کشور بگونه منظمی از جانب حلقات و گروه های معین کشورهای همجوار و دولت های کشورهای منطقوی و فرامنطقوی تجهیز و تسلیح گردیده و تنور جنگ و آدم کشی در کشور را گرم و گرمتر نگه میدارند. در این ارتباط سوال طبیعی مبنی بر این امر مطرح می گردد که چرا نیروهای متعدد و پیر عده نظامی تا دندان مسلح، عاملان خدمات ویژه اطلاعاتی، موجودیت سیستم های نظارتی کیهانی و وسایل نظارت و کنترول الکترونیک، هواپیماهای "آواکس" و غیره و غیره که از آنها در کشور ما و اطراف و اکناف آن بگونه گسترده کار گرفته می شود، قادر به قطع و مسدود نمودن پروسه متذکره نمی باشند؟ حتمن "زیرکاسه نیم کاسه قرار دارد."

خطاهای منحصر بفرد فرماندهی نیروهای بین المللی در اجرای جنگ اطلاعاتی انجام پذیرفته را باید کنار نهاد. بنظر می رسد که در تعیین اهداف ستراتیژیک و اهداف عملیات برنامه ریزی شده تاکتیکی، بگونه کلی، اشتباهات فاحشی

بعمل آمده است. همچنان عملی نشدن و عدم تحقق وعده هایی درمورد خروج قوت های نظامی خارجی از کشورما، سبب گردید تا مخالفان مسلح در امر محاسبه با نیروهای شان، مانع خروج قوت های یادشده از اراضی کشورما گردند. همه باین واقعیت معترفند که اطلاعات درمورد عملیات های گسترده و وسیع و همچنان تعیین موعد خروج قوت های نظامی خارجی از سرزمین و اراضی کشورما با در نظر داشت ملاحظات سیاسی پیشبینی گردیده است تا به اهالی و با شنندگان ایالات متحده و اروپا، وعده پیروزی در جنگ کنونی را القا نمایند. بگمان اغلب که قوماندان ها و فرماندهان قوت های ائتلاف بین المللی در کشورما با در نظر داشت ملاحظات سیاسی وارد عمل می گردند.

نمایندگان ناتو، بصورت کلی در فریب افکار عمومی مبنی بر تشدید عملکردها و فعالیت های نظامی و حربی و ارتباط تصنعی آن با عدم موفقیت ها و ناکامی های حربی و جنگی، دست بالایی دارند. چنانچه مسوولان ناتو در پاریس اظهار داشتند که تشدید عملیات نظامی بمثابه حرکت ستراتیژیک محاسبه گردیده که مطابق آن، نیروهای ائتلاف در صدد وار نمودن فشار بیشتر بر نیروهای مسلح مخالف گردیدند.

در چنین موقعیتی، موضعگیری رهبران سیاسی نیروهای ائتلاف بین المللی در عرصه ارزیابی وضعیت کنونی کشور ما با ارزیابی و موضعگیری مسوولان و رهبران نظامی، اصلن سر سازگاری ندارد. سیاستمداران پیوسته در صدد کاهش مناسب قوت های نظامی می باشند. اما در مقابل، نظامیان به ضرورت جلب بیشتر و بیشتر قوت های اضافی نظامی تأکید می ورزند. بر علاوه میان سیاستمداران و افسران نظامی ناتو، نظریه و موضعگیری واحدی در مورد عواقب مبار زات کنونی و تداوم عملکردهای جنگی پیمان اتلانتیک شمالی، اصلن وجود ندارد.

بسیاری از کارشناسان چنین می پندارند که جنگ در افغانستان وارد "لحظات بحرانی" گردیده است. اگر نیروهای ائتلاف با شکست و عدم موفقیت مواجه گردند، اعتماد و باورشراکیشان را از دست داده و به مخالفان روحیه می دهند. در چنین حالتی، آنها از درون قطعه قطعه شده که بگونه جدی، زمینه فروپاشی های بعدی را فراهم خواهد نمود. اما با اینحال، این مسأله واقعی تر بنظر می رسد که جنگ در سرنوشت ناتو اصلن تأثیر گذار نمی باشد. بدون توجه به منشأ آن، نیروهای ائتلاف مشارکت های بین المللی شانرا وسعت داده و گسترش خواهند بخشید. تجربه افغانستان به آنها اجا زه خواهد داد تا از امکانات پیش آمده در جهت ثبات امنیت شان استفاده بعمل آورده، آمادگی های رزمی شان وسیعتر و گسترده تر شده، تاکتیک های جدیدی را آموخته و نحوه کاربرد وسایل و تخنیک جدید محاربوی را فرا گیرند.

در حال حاضر، جنگ در کشورما این فرصت را برای ایالات متحده میسر نمود تا بگونه عملی با بسیاری از کشورها بی که شامل ائتلاف نمی باشند، نیز وارد همکاری های نظامی و جنگی گردد. قابل یادآوری می باشد که نظامیان و نمایندگان ۴۷ کشور که صرف بتعداد ۲۸ آن اعضای ناتو بوده، در ترکیب کنونی نیروهای ائتلاف بین المللی در کشورما شامل می باشند.

عملیات نظامی و جنگی در اراضی کشورما، برای ناتو نیز زمینه های آمادگی های نظامی بیشتر را مهیا نموده تا در نظم بخشیدن و هماهنگ نمودن کلیه فعالیت ها و عملکردهای اعضای ائتلاف بویژه البانیا و کشورهای کرانه بالتیک به اقدامات عملی متوسل گردد.

همچنان نباید فراموش نمود که شرکت و سهمگیری نظامیان آلمانی در کارزار مسایل مربوط به کشورما و اعزام آنها به افغانستان، پس از جنگ جهانی دوم و شکست رژیم نازی ها در آن کشور (۱۹۴۵)، نخستین اقدام آن کشورمی باشد. آنها در بخش های بازسازی و امور ملکی و امر کمک رسانی به اهالی و مردم کشورما مصروف می باشند.

قابل یاددهانی می باشد که از جمله عوامل بازدارنده در امر گسترش همکاری در امور تجاری - اقتصادی منطقوی، از جمله یکی هم اختلاف نظرهای سیاسی میان پاکستان و هند و همچنان میان ایالات متحده و ایران محسوب می گردد. پاکستان در هر صورت در صدد حفظ کنترل و نظارتش بر اقتصاد کشورما بوده و بهمین دلیل مخالف جدی انتقال اموال و اشیای هندی از طریق اراضی و مرزهای آن کشور به افغانستان بوده و مانع دستیابی هند به بازارهای کشورما می گردد. اقدامات ایالات متحده بمنظور انکشاف مناسبات اقتصادی افغانستان - پاکستان، بدون جذب مشارکت کشور سومی

(قبل از همه هند و ایران)، بگونه واضحی غیر عملی پنداشته می شود.

همه باین عقیده می باشند که بعوض اقدامات و زمینه چینی های نظامی و حربی، اگر بخشی از آنها همه موارد مادی بمصرف رسیده در موارد جنگی در جهت بهتر شدن امور زندگی باشندگان کشور، امورملکی، انکشاف اقتصادی، باز سازی افغانستان جنگ زده و... هزینه می گردید و مبالغ معینی در زمینه های یادشده بمصرف می رسید، بگمان اغلب که از دستاوردهای معین و قابل ذکری برخوردار می گردیدیم. اما اکنون ما در کجای این پروسه و معادله پیچیده قرار داریم؟

در نهایت امر، نتیجه گیری کلی اینکه ایالات متحده و روسیه در عرصه جهانی و ایران، پاکستان و هند بمثابه بازیگران منطقوی، بگونه واضحی آگاهند که دستیابی به صلح و ثبات در افغانستان، مبدل به فاکتور و عامل عمده ای در مجموعه امنیت بین المللی گردیده و بگمان اغلب که قبل از همه نقش عمده ای در امر رشد و شکوفایی اجتماعی - اقتصادی همه کشورهای آسیای مرکزی و آسیای جنوبی ایفا خواهد نمود.

باور اغلب بر این است که مانع عمده در راه تطبیق عملی موارد ذکر شده، مخالفان مسلح کشور و سر باز گیری آنها در بسا از کشورهای منطقه از جمله بگونه عمده در پاکستان محسوب می گردد.

دول و حکومت های علاقمند عادی سازی زندگی اجتماعی - سیاسی و بهتر شدن زندگی و شرایط معیشتی در کشور ما، باید امتیازات متقابلی را در نظر گرفته، از ایفای نقش و سهمگیری همه در امر یادشده و همچنان بمنظور دورنمای موفقیت آمیز سهمگیری شان تصور واضح و روشنی داشته و به اقدامات لازمی در زمینه متوسل گردند، در غیر آن، با شمارش معکوس، وضعیت بگونه اسف انگیزی بد و بدتر خواهد گردید و اما با اقدامات و تدابیر پیشگیرانه، از صدور بنیادگرایی به کشورهای آسیای مرکزی و آسیای جنوبی باید جلوگیری بعمل آمده که چنین امری مانع ریشه یابی و گسترش فعالیت های تخریبکارانه تروریست ها خواهد گردید.

سیزدهم ماه اکتوبر سال ۲۰۱۸